



پیام باستان‌شناس

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۴۲۸۵

شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۸۸۶

دوره ۱۵، شماره ۲۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۲



استقرارگاه‌های دوران تاریخی در شاه‌کوه شهرستان نهبندان - خراسان جنوبی (محوطه‌های آتشکده، کلاته بل‌بتو و گورستان تاسکا)

محمد فرجامی^۱، علی اصغر محمودی‌نسب^۲

۱ کارشناس اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان خراسان جنوبی، ایران. نویسنده مسئول: Farjamimohammad@ut.ac.ir

۲ دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی، مدرس مدعو گروه باستان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

اطلاعات مقاله:	چکیده
تاریخ‌ها:	<p>شهرستان نهبندان واقع در خراسان جنوبی، از نواحی مهم در پژوهش‌های باستان‌شناسی دوران تاریخی و اسلامی به شمار می‌رود. دامنه غربی شاه‌کوه در غرب این شهرستان، به دلیل وجود شرایط مساعد اقلیمی و محیطی، استقرارها و سکونتگاه‌های مهم و گسترده‌ای را در خود جای داده است که نشان از اهمیت آن‌ها در برهمکنش‌های درون و برون منطقه‌ای دوران تاریخی دارد. از جمله این یادگارهای بی‌همتا، بخش‌های برجای مانده از بنای معروف به آتشکده در روستایی با همین نام‌جای است که شوربختانه بخش‌های اندکی از این سازه برجای مانده است. پیرو برنامه گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محدوده بنا و شواهد معماری موجود و نیز معماری کنونی در بافت روستا، گمان آن می‌رود که این سازه با نقشه چلیپایی و چهار دیوار سنگی و پوشش گنبدی پایه‌گذاری شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بنای معروف به آتشکده (۴) در دوره ساسانی ساخته شده و در سده‌های نخستین اسلامی نیز همچنان کاربری داشته و به‌عنوان یک مکان مذهبی، با محوطه‌های پیرامون خود مانند کلاته بل‌بتو و گورستان تاسکا در ارتباط بوده است. ضمن معرفی این اثر، به تحلیل بقایای فرهنگی سطحی محوطه‌های مذکور نیز پرداخته می‌شود. یافته‌های سطحی این محوطه‌ها در پیوند با دوران تاریخی (هخامنشی - ساسانی) است که نشان از تداوم سکونت و برهم‌کنش‌های فرهنگی در این منطقه از آغاز دوران تاریخی تا دوران اسلامی دارد. هدف اصلی، شناخت بنای معروف به آتشکده (۴) با توجه به شواهد و داده‌های باستان‌شناسی و همچنین، معرفی محوطه‌های دیگر دوران تاریخی مانند کلاته بل‌بتو و تاسکا است. این پژوهش با گردآوری یافته‌ها به صورت میدانی و تحلیل آن‌ها از طریق پژوهش‌های کتابخانه‌ای با رویکرد تاریخی - فرهنگی و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.</p>
دریافت: ۱۴۰۲/۶/۳۰	
پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۲۰	
واژگان کلیدی:	
شهرستان نهبندان شاه‌کوه آتشکده ساسانی معماری سفال	

* استناد: فرجامی، محمد، محمودی‌نسب، علی اصغر (۱۴۰۲). استقرارگاه‌های دوران تاریخی در شاه‌کوه شهرستان نهبندان - خراسان جنوبی (محوطه‌های

آتشکده، کلاته بل‌بتو و گورستان تاسکا). پیام باستان‌شناس، ۱۵ (۲۹)، ۵۹-۷۸. DOI: 10.30495/peb.2023.1997013.1030

مقدمه

شهرستان نهبندان با وجود این که میان دو حوزه فرهنگی سیستان و خراسان قرار گرفته، به دلیل موقعیت طبیعی و همجواری با کویر، کمتر مورد توجه پژوهش‌گران حوزه میراث فرهنگی بوده است. از نظر ناهمواری‌های زمین‌شناختی، این شهرستان که در دشتی نسبتاً فراخ واقع شده، در شمال، شامل بلندی‌هایی است که ارتفاع کوه‌های آن به ۲۵۰۰ متر می‌رسد. کوه سرخ، کوه بیدمشک و کوه بوبک از جمله این قله‌ها است. در بخش غربی شهرستان نیز شاه‌کوه بلندترین نقطه شهرستان با ۳۷۳۲ متر ارتفاع واقع شده است. بقیه پهنه شهرستان مشتمل بر دشت‌های گسترده‌ای نظیر سرچاه شور، سهل آباد، چاه‌داشی، ده‌سلم و نهبندان است که بلندی این دشت‌ها حدود ۱۰۰۰ متر بالاتر از سطح دریا است که به دلیل داشتن اقلیم مناسب و چراگاه‌های پر بار از گذشته‌های دور، مکان مناسبی برای پرورش دام بوده است (حاجی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱۲).

پژوهش‌های باستان‌شناسی پی‌درپی در این شهرستان که حلقه پیوند میان سیستان و خراسان بزرگ و همچنین، کشور افغانستان است، یک ضرورت بوده و این تحقیق می‌تواند مسائل فرهنگی و نشانه‌هایی را شناسایی نماید که در پیوند فرهنگی میان دو منطقه تأثیرگذار بوده‌اند. بررسی‌های نخستین در این شهرستان، وجود پهنه‌های فرهنگی ارزشمند همسان و هم دوره با سیستان را نوید می‌دهد و مطالعه این پهنه‌ها و محوطه‌های فرهنگی می‌تواند بخش تاریک تاریخ شرق باستان را روشن نماید. خوشبختانه در طی چند سال اخیر، بررسی‌های باستان‌شناسی در شهرستان نهبندان صورت گرفته و یادگارهای باستانی بسیاری نیز مورد شناسایی قرار گرفته است. با وجود این، عدم انتشار این داده‌ها، در رابطه با

آثار شناسایی شده، موجب شده که باستان‌شناسی این منطقه تا حدودی ناشناخته باشد.

آتشکده بالا یکی از محوطه‌های کلیدی شهرستان نهبندان و متعلق به دوران تاریخی است. ساخت و سازهای کنونی باعث تخریب بخش‌های بسیاری از این بنای یادمانی شده، به طوری که تنها بقایای چهار پایه‌ستون این سازه در برنامه گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه در سال ۱۳۹۷ توسط نگارندگان کشف شده است. این سازه ارزشمند به فاصله ۲۰۰ کیلومتری جنوب بیرجند (مرکز استان) و ۷۵ کیلومتری شمال غربی شهر نهبندان (مرکز شهرستان) قرار دارد. در اینجا، به طور قطع، چنین ادعایی مطرح نیست که این بنا می‌تواند نخستین آتشکده‌ای باشد که در جنوب خراسان بزرگ شناسایی و معرفی می‌گردد. ما در پی پاسخگویی به این پرسش‌ها هستیم:

(۱) آغاز استقرار در این محوطه به چه دوره‌ای باز می‌گردد؟

(۲) با توجه به نحوه پراکنش سفال‌های سطحی محوطه، آیا این آتشکده (؟) داخل یک محوطه استقرار یافته یا تنها یک سازه معماری مجزا است؟

پرسش‌های مذکور بر پایه فرضیات زیر طرح شده‌اند:

(۱) با توجه به یافته‌های سفالی و آثار معماری بر جای مانده، محوطه آتشکده، محوطه‌ای وابسته به دوران تاریخی (اشکانی و ساسانی) است که در سده‌های پایانی اسلامی هم مجدداً مورد استفاده قرار گرفته است.

(۲) با توجه به شواهد و نام‌جای روستا، احتمال می‌رود که بقایای معماری شناسایی شده در این محوطه، آتشکده‌ای (؟) در پیوند با دوران تاریخی (ساسانی) باشد.^۱

^۱ بنا به گفته اهالی آتشکده، در برخی از روزهای سال و به صورت نامنظم، زردشتیانی از گوشه و کنار کشور، برای بازدید و خواندن دعا به این روستا مراجعه می‌کنند (گفتگو با آقایان حسین و محمدحسین عباسی).

روش تحقیق

این پژوهش، به دو صورت مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای انجام شده است که در تحقیقات میدانی، بررسی، کاوش و جمع‌آوری داده‌های باستان‌شناسی و برداشت اطلاعات معماری از محوطه‌های مورد مطالعه انجام شده و در مطالعات کتابخانه‌ای به تجزیه و تحلیل داده‌ها و مقایسه آن‌ها با مناطق همجوار پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

راجع به این استقرارگاه‌ها، یک پرونده ثبتی در سال ۱۳۸۸ توسط اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی تهیه و در تاریخ ۱۳۸۸/۰۹/۰۱ با شماره ۲۸۱۲۶ با نام "بقایای معماری آتشکده" در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است (شایسته، ۱۳۸۸). این یادگارها در بررسی باستان‌شناختی دهستان میغان شهرستان نهبندان در سال ۱۳۹۴ دوباره مورد بررسی قرار گرفت (حیدری، ۱۳۹۴) و در سال ۱۳۹۷ به منظور مشخص شدن عرصه و پیشنهاد حریم محوطه، کار گمانه زنی، بازپیری و حفاظت بقایای بخش معروف به آتشکده، شامل پی چند ستون مکعبی شکل با ملات گچ و لاشه سنگ، انجام شد (فرجامی و محمودی نسب، ۱۳۹۷).

محوطه آتشکده

محوطه آتشکده در شهرستان نهبندان (جنوبی‌ترین شهرستان استان خراسان جنوبی) و در روستایی به همین نام در ۷۵ کیلومتری شمال غربی نهبندان (دهستان میغان) به مرکزیت روستای میغان و در شرق کوه شاه (شاه‌کوه) واقع است (شکل ۱). از دیدگاه جغرافیایی محوطه

آتشکده در زون ۴۰ و بر اساس مختصات جغرافیایی (UTM) در طول جغرافیایی ۷۳۱۵۷۶، عرض جغرافیایی ۳۵۰۲۴۲۰ و ۱۴۶۳ متر بالاتر از سطح دریا قرار دارد.

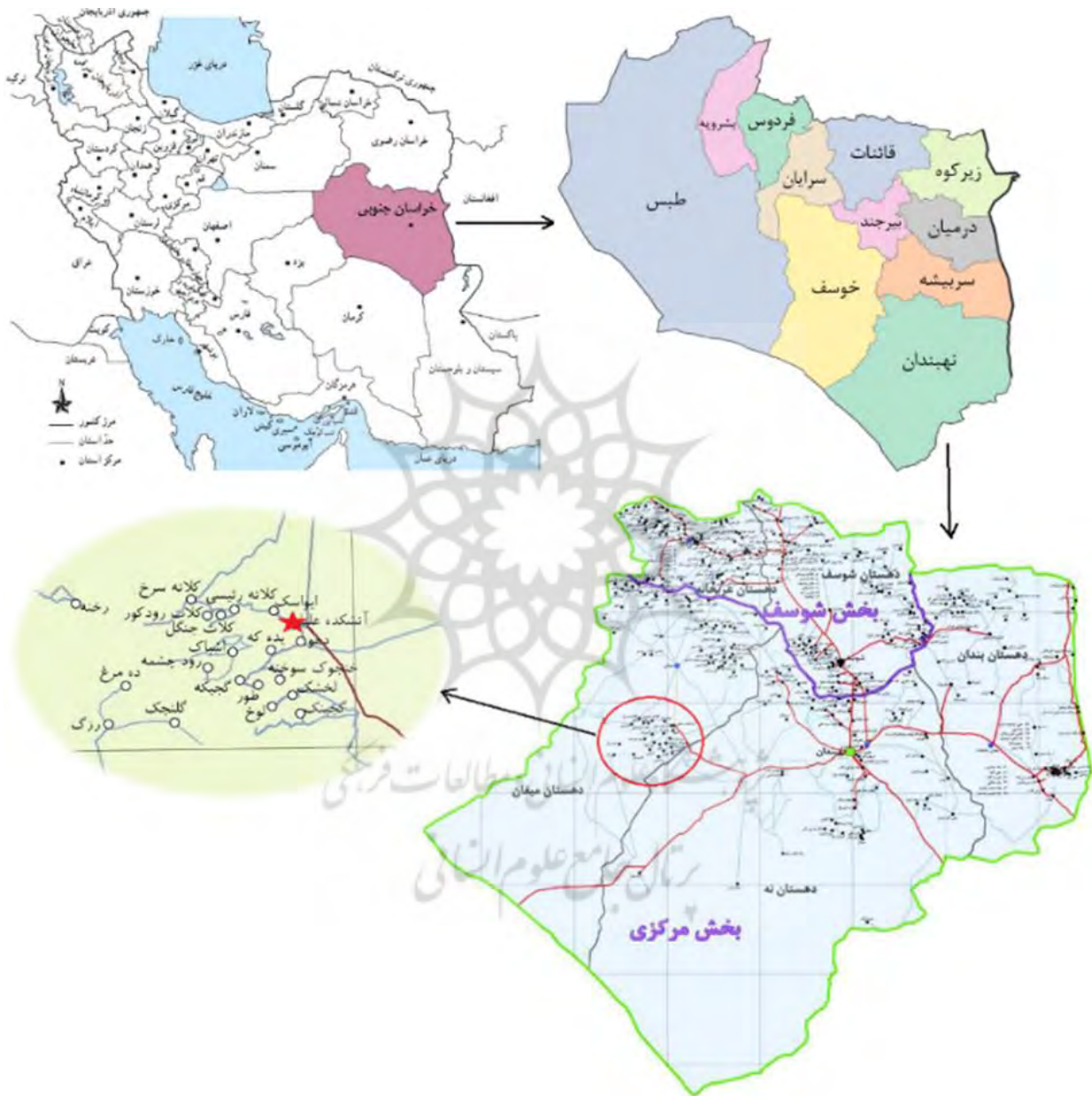
این محوطه شامل بخش‌های بسیاری از نیمروز روستای آتشکده بالا (روستای آتشکده پایین به فاصله ۷۰۰ متری خاور روستای آتشکده بالا قرار دارد) را در بر گرفته و در حاشیه شمالی رودخانه‌ای فصلی و مشهور به رود ایشباک^۲ قرار گرفته است. بنا به گفته باشندگان، این رودخانه در گذشته‌های دور در تمامی موسم‌ها آب روان داشته، ولی آنچه که افراد کهنسال روستا به یاد دارند، این است که رودخانه طی چند دهه اخیر در شش ماهه نخست سال دارای آب روان بوده و ساکنین از آب رودخانه به صورت همیشگی استفاده می‌کرده‌اند. هم‌اکنون، بخشی از محدوده محوطه در پهنه زمین‌های کشاورزی روستا قرار گرفته که این کشتزارها در گذشته با آب قنات آبیاری می‌شده و با استمرار خشکسالی‌ها در منطقه، کشت‌وکار در این زمین‌ها، به صورت دیم درآمده و به کشت جو و گندم اختصاص دارد که در موسم‌های پرباران (زمستان و بهار) آبیاری می‌شوند (شکل ۲). یادگارهای بخش شمالی رودخانه، شامل بقایای بنای معروف به آتشکده است. از این اثر، چهار پایه ستون باقی مانده که در داخل بافت مسکونی و در میان خانه‌های اهالی قرار گرفته‌اند (شکل ۳). این پایه‌ستون‌ها، دارای پی چهارگوش در اندازه ۹۰ سانتی‌متر هستند که با توجه به ستون گوشه جنوب غربی که نسبتاً بقایای معماری بیشتری از آن برجای مانده است، دارای تنه استوانه‌ای هستند. کف بنا دارای پوشش گچ بوده که این لایه گچ بر روی بستر سنگی است که در برخی از قسمت‌ها در

^۲ به بیابان لوت می‌ریزد. در مورد انگیزه‌ی نام‌گذاری ایشباک نیز اهالی روستا بر این باورند که این کلمه عشق پاک بوده که به ایشباک دگرانده شده است (نگارندگان).

^۲ این رودخانه از دامنه خاوری بلندی‌های شاه‌کوه و از دره‌های غربی روستایی به نام رودچشمه، سرچشمه می‌گیرد و بعد از گذر از روستاهای رودچشمه، ایشباک، آتشکده بالا و آتشکده پائین وارد دشت میغان شده و به سوی چاهدashi ادامه راه می‌دهد و بعد از گذر از محدوده چاهدashi

لازم به ذکر است، بقایای کف گچی که در چندین نوبت تجدید شده، در بخش‌های گوناگون روستا و در زیر بافت خانه‌های روستایی قابل ردیابی و مشاهده است (فرجامی و محمودی نسب، ۱۳۹۷).

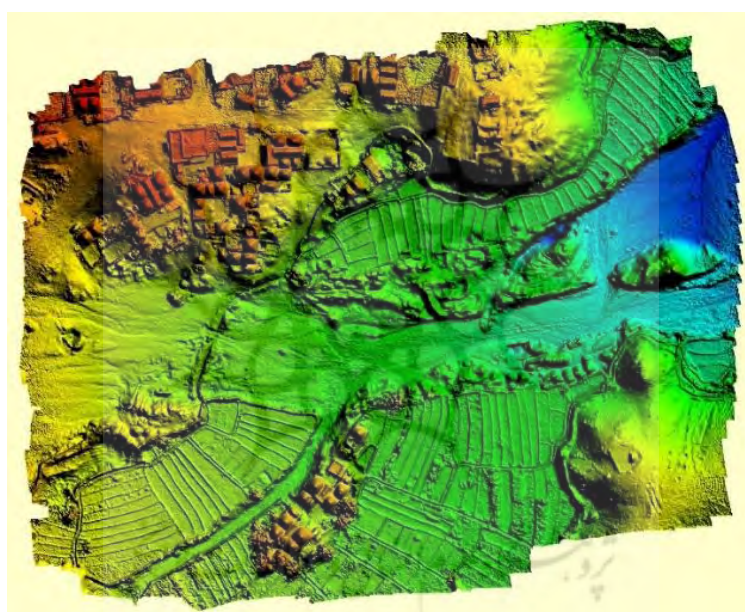
حاشیه ستون‌ها و یا در فواصل دورتر، بقایای کف با لایه‌های پی‌درپی گچ است که نشان از استفاده همیشگی و پیاپی دارد. در برخی از قسمت‌های کف نیز بقایای خاکستر و سوختگی به چشم می‌خورد که حاکی از برافروختن و شعله‌ور شدن آتش در این قسمت است.



شکل ۱: موقعیت روستای آتشکده (نگارندگان)



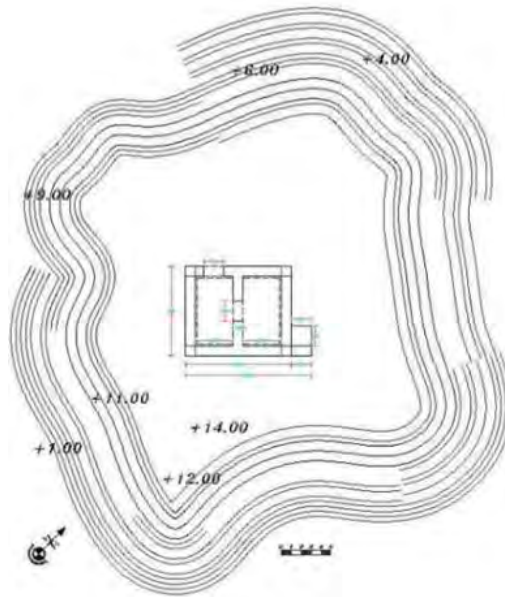
شکل ۲: تصویر ماهواره‌ای موقعیت محوطه آتشکده و پیرامون آن



شکل ۳: نقشه ایزومتریک محوطه آتشکده (نگارندگان)

فصلی اِشباک و در دامنه تپه‌های شمالی روستا، پراکنش سفالی بسیار زیادی به چشم می‌خورد که این پراکنش سفالی در این قسمت، دلیلی بر ایجاد گمانه‌های بی‌شمار بود که شوربختانه با توجه به عمق کم سنگ بستر و ایجاد زمین‌های کشاورزی از گذشته تاکنون، باعث از میان رفتن لایه‌های باستانی شده و هیچ‌گونه لایه استقرار در این بخش مورد شناسایی قرار نگرفت. تنها قطعات سفالی مربوط به دوران تاریخی (اشکانی و ساسانی) و پایانی اسلامی روی سطح پراکنده بودند (حیدری، ۱۳۹۴؛ فرجامی و محمودی نسب، ۱۳۹۷).

در بخش شرقی روستا و محوطه، بقایای یک بنای خشت و گلی شامل دو فضای چهارگوش بر روی تپه‌ای کم ارتفاع قرار دارد که با توجه به مستندات و داده‌های سطحی، این بقایا مربوط به سده‌های پایانی اسلامی (هشتم تا دوازدهم هجری قمری) است. اندازه تقریبی تپه 40×30 متر است و سازه خشتی باقی مانده بر روی این تپه با پلان مستطیل شکل و به ابعاد $9 \times 10/60$ متر و مساحت $9/60$ مترمربع است. در ساخت پی بنا از سنگ و در ساخت دیوارها از خشت استفاده شده است (شایسته، ۱۳۸۸: ۵) (شکل ۴). در شمال رودخانه



شکل ۴: نقشه توپوگرافی بنای خشت و گلی در شرق محوطه (شایسته، ۱۳۸۸: ۱۶).

است. این ستون‌ها در فضایی در حدود ۳/۵ تا ۵ متر مربع قرار گرفته‌اند. پایه ستون‌ها به صورت مجزا و با اندازه ۱×۱ متر و به ارتفاع ۴۵ (شمال شرقی)، ۷۰ (شمال غربی)، ۵۳ (جنوب شرقی) و ۹۰ (جنوب غربی) سانتی‌متر برجای مانده است (شکل ۵). معماری ستون‌ها بدین شکل است که نخست پایه و سکویی مربع شکل در اندازه ۹۰×۹۰×۹۰ سانتی‌متر بر روی بستر صخره‌ای ایجاد شده و سپس، ستون دایره‌ای شکل به قطر تقریباً ۶۰ سانتی‌متر بر روی این پایه قرار می‌گرفته است. در اطراف یکی از ستون‌ها که داخل دیوار خانه‌های مسکونی قرار داشت، بقایای کف گچی به چشم می‌خورد که مشابه و احتمالاً ادامه کف گچی همجوار با پایه ستون‌ها است که با فاصله نسبتاً زیاد در حاشیه شرقی روستا نیز می‌توان آن را دنبال کرد (شکل ۶). هر چند از بلندای ستون‌ها در حال حاضر نزدیک به ۴۵ تا ۹۰ سانتی‌متر برجای مانده (شکل ۱۰)، اما به گفته اهالی پیرامون آتشکده (گفتگو با آقایان حسین و محمدحسین عباسی)، این ستون‌ها در گذشته حدود ۱/۵ متر بلندی داشته و در پیوند با فضای یک آغل نگهداری دام بوده که بعدها تخریب و دو پایه ستون در حیاط منزل حسین و دو پایه ستون در حیاط منزل محمدحسین عباسی قرار گرفته و فضای میانه دو

از آنجایی که بقایای معماری معروف به آتشکده در بافت مسکونی و معماری روستا قرار گرفته، مالکیت آن مربوط به سکنه روستای آتشکده بالا است. پیرامون محوطه را اغلب فضاهای مسکونی (شامل خانه مسکونی، انباری، آغل و ...) و کشاورزی تشکیل می‌دهد. این شواهد بیشتر مربوط به ستون، پایه ستون و کف‌های گچی است. با تخریب این فضاها برای گسترش معماری جدید و همچنین، در بعضی از قسمت‌ها از بقایای معماری در فضاهای مسکونی جدید به عنوان پی و قسمتی از دیوار استفاده شده و ساکنان از ساخت مایه‌های تخریب شده بنا نیز در ساخت بناهای جدید استفاده کرده‌اند. این‌گونه به نظر می‌رسد که بخشی از تخریب‌های انسانی با هدف حفاری غیرمجاز بر روی محوطه انجام شده است.

بقایای معروف به آتشکده، در بخش جنوبی روستا و حاشیه شمالی رودخانه فصلی ایشاک قرار گرفته‌اند. این بقایا شامل چهار پایه ستون ساخته شده با لاشه سنگ سیاه گرانیتی و ملات خاک و گچ است که دو پایه ستون در ورودی خانه به حیاط منزل حسین عباسی قرار دارد و یکی از ستون‌ها چسبیده به دیوار غربی ورودی و ستون دیگر در زیر دیواری مربوط به خانه‌ای مسکونی قرار گرفته

ستون به‌عنوان کوچه استفاده می‌شده است (شکل ۷). اندازه پایه‌ستون‌ها ظاهراً یکسان هستند، ولی از بالا شبیه هم نیستند. فاصله میان پایه‌ستون‌ها نیز متفاوت است.^۳



شکل ۵: اندازه بین ستون‌های بنای آتشکده - نمای بالا (نگارندگان).



شکل ۶: بقایای کف گچی و ستون باقی مانده در زیر دیوار خانه‌های اهالی (نگارندگان).

کوچه قرار گرفت. برای حفاظت از این پایه‌ستون‌ها از عوامل انسانی و طبیعی، دور تا دور پایه‌ستون‌ها به‌صورت جداگانه، دیواره‌ای با فاصله ۲۰ سانتی‌متر و به‌بلندای هر کدام از پایه‌ستون‌ها، ساخته و فضای میان دیوار و ستون را با استفاده از شن نرم پر کرده و سپس دیواره حفاظتی روی ستون‌ها با اندود کاه‌گل پوشیده شد.

^۳ از آنجایی که ستون‌های بنای آتشکده در حیاط شخصی قرار داشت و گمان می‌رفت در بازسازی فضاهای مسکونی دچار تخریب شوند، بعد از گمانه‌زنی و تعیین حریم محوطه، جهت ساماندهی و حفاظت بقایای معماری و با کسب خشنودی از مالکین بنای مسکونی، دیوار حیاط دو فضای مسکونی تخریب و با عقب‌نشینی، این پایه‌ستون‌ها در فضای



شکل ۷: نمای کلی از آزادسازی ستون‌ها با حذف دیوارهای قدیمی و احداث دیوارهای جدید (نگارندگان).

دشمنی داشته‌اند. در نبردی که میان این دو دسته/برادر در مکانی به نام چاه‌عبدل یا چاه عبداللهی کنونی (در پنج کیلومتری جنوب آتشکده) در می‌گیرد، افراد بسیار زیادی از این دو دسته کشته شده و در همانجا دفن می‌شوند. در شمال این محل (چاه‌عبدل/عبداللهی) گورستانی با گورهایی شبیه خاکسپاری‌های سنگی رایج در اواخر دوره ساسانی/قرون نخستین اسلامی وجود دارد که با نام گورستان تاسکا^۴ شناخته می‌شود و می‌تواند یکی از مستندات باستانی از این درگیری باشد.

گمانه‌زنی محوطه آتشکده: در برنامه گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه آتشکده، تعداد ۳۰ گمانه به ابعاد ۲×۲ متر در اطراف محوطه ایجاد شد. بافت و لایه‌های شناسایی شده در بیشتر گمانه‌های ایجاد شده، بافت شنی رسوبی بود. به دلیل قرارگیری محوطه در کرانه و بستر رودخانه و گرانیتهی بودن ساختار کوه‌های غرب روستا، بعد از روان شدن سیل در مسیر رودخانه با فرسایش این کوه‌ها، سنگ‌ریزه و شن‌های گرانیتهی که به

در میان اهالی اطراف آتشکده، بقایای معماری به ویژه پایه‌ستون‌های به دست آمده در بافت روستا را مربوط به آتشکده‌ای از پیش از اسلام و وابسته به زردشتیان می‌دانند و بر این باورند که آتشی مربوط به دوران ساسانی در آن افروخته بوده که هیچ‌گاه خاموش نمی‌شده است (گفتگوی شخصی با آقایان حسین و محمدحسین عباسی از اهالی روستای آتشکده). در روایات شفاهی که سینه به سینه و نسل به نسل از گذشته‌های دور تاکنون در میان ساکنین نقل و جابه‌جا شده، داستان به گونه‌ای است که با برخی مستندات باستانی و نام‌های موجود در دامنه خاوری بلندی‌های شاه‌کوه، همانندی‌هایی دارد؛ نقل می‌کنند که دو گروه به سرکردگی/فرماندهی دو برادر به نام‌های سلم در روستای ده سلم (ده سلم در فاصله ۷۵ کیلومتری جنوب غربی آتشکده) و دسته و یا برادر دیگر در روستای تور (در فاصله پنج کیلومتری جنوب غربی آتشکده) و یا خونیک پائین (در شش کیلومتری جنوب نهبندان) در منطقه دشمن یکدیگر بوده‌اند و همیشه با هم

^۴ احتمالاً هاون‌های سنگی) مانند این ظرف ایجاد شده، این نام به مکان داده شده است (نگارندگان).

^۴ تاسکا در گفتمان بومی ساکنین شاه‌کوه به ظرف فلزی ساده‌ای گفته می‌شود که دارای لبه هموار و بدون شکستگی باشد و چون در گذشته روی تپه‌ای در کنار این گورستان، چاله‌های کوچک تراش‌خورده‌ای

تنها در یک گمانه (گمانه T.24) بقایای معماری به دست آمد (۱۵۰ متری شرق سازه اصلی). بقایای معماری، مربوط به یک دیوار در اندازه $1 \times 1/2$ متر در گوشه شمال باختری گمانه است که از گوشه غربی گمانه به سوی شمال امتداد دارد. این دیوار با استفاده از سنگ‌های مستطیل شکل نسبتاً بزرگ و با ملات گل ساخته شده است. از سنگ‌های بزرگ در نمای بیرونی استفاده شده و میان دیوار را با استفاده از لاشه و قلوه‌سنگ‌های گرانیتی پر کرده‌اند (شکل ۸).

رنگ سیاه، سفید و گاه زرد هستند در پائین دست و بستر رودخانه در لایه‌های گوناگون در درازای زمان بر روی هم نهشته شده‌اند. یکی از عوامل تخریب محوطه، علاوه بر ساخت و سازهای بی‌رویه فضاهای معماری بافت روستا، تخریب طبیعی به ویژه سیل بوده که به این محوطه آسیب زده و باعث شکل‌گیری لایه‌های پی‌درپی رسوبی غالباً شنی شده است. از مجموع گمانه‌های ایجاد شده در پیرامون بقایای معروف به آتشکده و همچنین تپه در شرق روستا و نیز پراکنش سفالی در جنوب رودخانه و روستا،



شکل ۸: بقایای معماری گمانه T.24 (نگارندگان)

بناهای مذهبی (آتشکده) شناسایی شده با ساخت‌مایه لاشه‌سنگ و ملات گچ ساخته شده است. به طور کلی، ویژگی معماری بافت قدیم روستای آتشکده بالا استفاده از ساخت‌مایه بومی به ویژه لاشه‌سنگ‌های گرانیتی سیاه رنگی است که در محیط پیرامون روستا وجود دارد و از آن برای ساخت دیوار بناها و به ندرت در پوشش استفاده شده و بیشترین کاربرد در پوشش را خشت خام داشته است. با توجه به ساخت‌مایه و نوع طاق‌ها (طاق چپپله و هلالی) و پوشش‌های گنبدی به کار رفته در بناهای کهن روستای آتشکده و نمونه آتشکده‌های برجای مانده در پهنه قلمروی ایرانشهر، می‌توان بقایای بنای معروف به آتشکده را بنایی به شکل چهارطاقی، با چهار ورودی و

تحلیل فضایی بنای آتشکده: هر چند سازه اصلی بقایای معروف به آتشکده ویران شده و تنها چهار پایه ستون مکعبی شکل با بقایای ستون‌های مدور به صورت مجزا باقی مانده، ولی این موضوع نشان از اهمیت این سازه و حفظ آن در درازای زمان توسط ساکنین روستا دارد. باور نخستین در مورد این پایه ستون‌ها، این است که بقایای معماری موجود در روستای آتشکده می‌تواند مربوط به یک آتشکده مربوط به دوران تاریخی باشد، ولی این استدلال بنیان چندان قوی نداشته و تنها می‌توان این پایه‌ستون‌ها را به سازه‌ای مربوط به دوران تاریخی و با توجه به شکل ساخت و نوع ساخت‌مایه آن، احتمالاً متعلق به دوره ساسانی دانست. این بنا همانند سایر

یک گنبد مدور (احتمالاً سنگی) تصور کرد. همچنین، بقایای کف گچی در اطراف بقایای پایه‌ستون‌ها و شناسایی این کف گچی به فاصله ۲۲ متری شرق آن، احتمالاً نشان‌دهنده این است که این بنا دارای یک رشته فضاهای جانبی با بنای مرکزی و اصلی بوده است (؟) و این‌گونه می‌توان گفت که پایه‌ستون‌ها و کف‌های گچی باقی مانده، بخشی از یک معماری بزرگ بوده که به مرور زمان و به دلایل گوناگون، تخریب و از میان رفته است. از دیدگاه سبک معماری بنا و پایه‌های مکعبی شکل آن و این‌که به این پایه‌ها دیواری اضافه نشده، قابل سنجش با بنای آتشکوه نیمور محلات در ۱۲ کیلومتری غرب دلیجان، استان مرکزی (حاجی علی عسگر و مومنی، ۱۳۹۶: ۳۲)، بندیان درگز (هژبری، ۱۳۹۷)، چهارطاقی چهار گنبد و چهار طاقی تُل جُنْگی شهرستان فراشبند در غرب استان فارس (تاج‌بخش و وندائی، ۱۳۹۶) است. مسلماً بنای مورد مطالعه احتمالاً همانند بیشتر بناهای مذهبی دارای سکویی در قسمت مرکزی بنا بوده که از میان رفته است. مقایسه نقشه معماری بنای معروف به آتشکده با سایر آتشکده‌های شناسایی شده در نقاط گوناگون ایران که در پیوند با تاریخ‌گذاری و کاربری بنا بحث شده، نشان از این امر است که آتشکده‌ی احتمالی مورد مطالعه از نظر پلان و ساخت‌مایه، قابل سنجش با این‌گونه بناها بوده و اغلب این بناها نیز در پیوند با دوره ساسانی هستند.

از دیگر مواردی که نشان می‌دهد بنای معروف به آتشکده در دوره ساسانی مورد اهمیت بوده، می‌توان به قرارگیری این بنا در راه پیوندی شهادت به سوی خوسف اشاره کرد. این راه در اصل از شهادت به سوی نه (نه‌بندان)، طبس مسینا، هرات و شهرهای شمال خراسان منتهی می‌شود که در نوشته‌های سده‌های نخستین اسلامی و سفرنامه‌های اروپاییان در ایران به آن اشاره شده است

(ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۴۶؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۸۹؛ مقدسی، ۱۳۶۱/۲: ۷۲۴-۷۲۰؛ گابریل، ۱۳۷۱: ۲۷۷). این راه، گذرگاهی بسیار کلیدی بوده و یک بزرگراه همیشگی تاریخی میان جنوب ایران، هرات و آسیای میانه خصوصاً در سده‌های میانه و پایانی اسلامی بوده است. بسیاری از کالاهای گرمسیری جنوب، در خراسان خریدار داشته است. به دلیل اهمیت بخش‌های شرقی شاهنشاهی در دوران تاریخی، اهمیت این راه‌ها و سایر راه‌هایی که از بیابان لوت یا کویر مرکزی ایران عبور می‌کنند، مشخص می‌گردد، ولی در حال حاضر، به جز بقایای معماری اندکی که به‌گونه قطعی مربوط به دوران ساسانی است، شواهد دیگری در این پهنه شناسایی نشده است (مستوفی، ۱۳۵۱: ۳۲۵). در این راه و در روستای ده‌سلم و یا بالاتر از این روستا، راه فرعی در جهت شمال قرار می‌گرفته که به سوی خوسف در فُهستان منتهی می‌شده و نوشته‌های سده‌های نخستین هم به آن اشاره دارند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۴۶؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۸۹؛ مقدسی، ۱۳۶۱/۲: ۷۲۴-۷۲۰). با توجه به محوطه‌های استقرار در دوران تاریخی و اسلامی، احتمالاً این راه از روستای آتشکده نیز عبور می‌کرده است.

یافته‌ها: بر اساس پژوهش‌های باستان‌شناسی در محوطه آتشکده، علاوه بر بقایای معماری، داده‌های فرهنگی به خصوص سفال از روی محوطه گردآوری شده است. سفالینه‌های گردآوری شده از روی محوطه آتشکده (شکل ۹، جدول ۱) و نیز سفال‌های به دست آمده در گمانه‌های تعیین حریم محوطه، بدون لعاب در طیفی از قرمز، نخودی و خاکستری بوده که به‌صورت چرخ‌ساز و به ندرت دست‌ساز با کیفیت متوسط و ظریف (با آمیزه ماسه و شن) و با پخت کافی ساخته شده‌اند، بیشتر سفال‌ها فاقد نقش بوده و نقوش به کار رفته هم به‌صورت کنده (موجی و موازی) است (شکل ۱۰، جدول ۲).



شکل ۹: طرح و تصویر نمونه سفالینه‌های منسوب به دوران تاریخی به دست آمده از بررسی سطحی محوطه (نگارندگان و حیدری، ۱۳۹۴).

جدول ۱: نمونه سفالینه‌های منسوب به دوران تاریخی به دست آمده از بررسی سطحی محوطه آتشکده (نگارندگان و حیدری، ۱۳۹۴).

ردیف	توصیف	دوره	ارجاع
۱	بافت معمولی، خمیره نارنجی، پوشش گلی نخودی، آمیزه ترکیبی، پخت کافی، چرخ‌ساز.	اشکانی	Alden, 1978:83, fig.5. no:8 دانا و همکاران، ۱۳۹۷، ۸۲۴، تصویر ۱۳، شماره ۴-۹.
۲	بافت معمولی، خمیره قرمز، پوشش گلی قرمز، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز.	اشکانی	بهروزی‌فر و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۱، تصویر ۴.
۳	بافت معمولی، خمیره خاکستری، پوشش گلی خاکستری، آمیزه کانی، پخت ناکافی، چرخ‌ساز.	-	-
۴	بافت معمولی، خمیره قرمز، پوشش گلی نخودی، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز.	-	-
۵	بافت معمولی، خمیره نارنجی، پوشش گلی نخودی، آمیزه کانی، پخت ناکافی، دست‌ساز.	اشکانی	نامی و موسوی نیا، ۱۳۹۸: ۲۴۹، تصویر ۱، ش. ۱۴.
۶	بافت ظریف، خمیره نارنجی، پوشش گلی نارنجی، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز.	اشکانی	روستائی، ۱۳۹۱: ۱۰۰، اوچه ۲۸، ش. ۱۹۳ و ۱۹۵
۷	بافت ظریف، خمیره نارنجی، پوشش گلی نارنجی آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز.	-	-
۸	بافت معمولی، خمیره نارنجی، پوشش گلی نخودی، آمیزه کانی، پخت ناکافی، دست‌ساز.	ساسانی	Puschnigg, 2006: p. 184, R15
۹	بافت ظریف، خمیره قرمز، پوشش گلی قرمز، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز، کنده شیاردار.	اشکانی	Dupree, 1956, Vol. 46, Pl. 25, no. f
۱۰	بافت ظریف، خمیره نارنجی، پوشش گلی نارنجی، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز.	-	-
۱۱	بافت ظریف، خمیره نارنجی، پوشش گلی قرمز، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز، کنده شیاردار.	اشکانی	روستائی، ۱۳۹۱: ۹۷، لوحه ۲۵، ش. ۱۶۹. گبری مود و تخچرآباد

خانیکی، ۱۳۸۶؛ فرجامی و محمودی نسب، ۱۳۹۳؛ قلی‌نژاد، ۱۳۹۴؛ هرینک، ۱۳۷۶: ۲۷۰؛ موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: ۳۲۵). بررسی و پژوهش پهنه‌های دوران تاریخی خراسان جنوبی نشان از آن دارد که سفال گونه شیاردار تنها در محوطه‌های دوران تاریخی نیمه جنوبی استان به چشم می‌خورد و هیچ ردّ و نشانی از این گونه در نیمه شمالی استان وجود ندارد. نمونه‌های سفال شیاردار در پهنه استان خراسان جنوبی در محوطه‌های کلاته شاهپوری (نصرآبادی، ۱۳۸۳)، آب‌جو (لباف خانیکی و همکاران، ۱۴۰۰) و تپه‌قلعه چهارفرسخ (نصرآبادی، ۱۳۸۳) در شهرستان نهبندان، تپه‌کوره محمدآباد (قلی‌نژاد، ۱۳۹۴) و آنتزپشته شهرستان زیرکوه (فرجامی و محمودی‌نسب، ۱۳۹۳) و محوطه سربجان (صدیقیان، ۱۳۹۴)، قلعه دختر بیدسک (فرجامی، ۱۳۸۳) در شهرستان درمیان کمرقلعه زادنبه و تپه‌قلعه توج (صدیقیان، ۱۳۹۳) تپه سورگ (اسماعیلی، ۱۴۰۰) و تپه تخرآباد بیرجند، تپه گبری مود (فرجامی و محمودی نسب، ۱۳۹۸) و پشته نه‌تاغ چنشت و محوطه کلاته‌سلیمان شهرستان سربیشه (فرجامی، ۱۳۹۲؛ فرجامی ۱۳۹۶) به‌دست آمده است.

تعداد ۲۱ تکه سفال در گمانه T.24 به دست آمده که از این تعداد دو تکه سفال مربوط به لبه، ۱۵ تکه مربوط به بدنه، سه تکه مربوط به کف و یک تکه مربوط به دسته ظرف است. پخت ۱۰ عدد از این قطعات کافی و ۱۱ تکه ناکافی است و ۱۵ تکه به صورت چرخ‌ساز و شش تکه نیز دست‌ساز است. دو تکه نقش‌دار است که با نقوش کنده خطوط موازی، افقی و موجی تزئین شده است. علاوه بر گمانه T.24 در گمانه‌های T.19 و T.23 هم قطعات سفالی (به‌ترتیب هشت و سه تکه) به دست آمد. در سایر گمانه‌ها (T.13، T.16، T.17، T.18، T.20، T.26 و T.27) نیز سفال‌هایی به دست آمد که بدون لعاب و نقش بود و مربوط به بدنه ظروف هستند. از جمله سفال‌های شاخص این محوطه که در بررسی سطحی و تعیین حریم به دست آمد (گمانه T.23) می‌توان به سفال شیاردار اشاره کرد. این سفال از گونه سفال‌های شاخص دوران تاریخی شرق ایران است که از پراکندگی چشمگیری در سیستان (ایران و افغانستان) و نیمه جنوبی خراسان جنوبی برخوردار هستند (مهرآفرین و همکاران، ۱۳۹۲). این گونه سفالی در کاوش محوطه‌های جنوب خراسان شناسایی شده است (دانا، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷؛ فرجامی و محمودی نسب، ۱۳۹۸؛ لباف



شکل ۱۰: طرح و تصویر نمونه‌های سفالی منسوب به دوران تاریخی به دست آمده از گمانه‌های T.24 و T.19 و T.23

جدول ۲: سفال‌های منسوب به دوران تاریخی به دست آمده از گمانه‌های T.23 و T.19 و T.24

ردیف	توصیف	دوره	ارجاع
۱۲	بافت معمولی، خمیره قرمز، پوشش گلی نخودی، آمیزه کانی، پخت ناکافی، چرخ‌ساز.	-	-
۱۳	بافت ظریف، خمیره نارنجی، پوشش گلی نخودی، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز، نقش کنده.	ساسانی	لباف خانیکی، ۱۳۸۸: ۱۷۲، شکل ۲۰، ش. ۲۰، محمدی فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۴۷، تصویر ۳۴.
۱۴	بافت ظریف، خمیره قرمز، پوشش گلی نارنجی، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز.	ساسانی	Dupree, 1956, Vol. 46, Pl. 25, no. f
۱۵	بافت ظریف، خمیره نارنجی، پوشش گلی نخودی، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز.	-	-
۱۶	بافت ظریف، خمیره قرمز، پوشش گلی نخودی، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز.	-	-
۱۷	بافت ظریف، خمیره نارنجی، پوشش گلی نارنجی، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز.	-	-

باشندگان دهو) در گذشته بسیاری از گورها را برای ساختن پناه‌های مسکونی در روستای دهو تخریب کرده‌اند و زنان و کودکان با جابه‌جا کردن خاک گورها، اقدام به پیدا کردن مهره و سایر اشیاء باستانی می‌نمودند. با توجه به این‌که به نظر نمی‌رسد، گورها به‌گونه کامل و در ژرفا تخریب شده باشند، گمان می‌رود که در تعداد زیادی از این گورها، جسد/ اسکلت در وضعیت سالمی قرار داشته باشد (شکل ۱۱). به دلیل شباهت این گورهای سنگی با گورهای دره چهارفرسخ در شمال نهبندان، می‌توان این گورها را احتمالاً مربوط به بازه زمانی اشکانی تا سده نخستین اسلامی منسوب دانست. در بررسی سطحی گورستان تاسکا، یک سکه نقره عرب - ساسانی به دست آمد (شکل ۱۲). این سکه با نقش خسرو دوم پادشاه ساسانی است و تنها تغییری که در سکه ایجاد شده، نوشتن واژه‌های اسلامی با خط کوفی مانند بسم‌الله بر کناره خارجی روی سکه و تاریخ ۶۵ هـ.ق در پشت آن است (سرفراز و آوزمانی، ۱۳۸۴: ۱۳۷). بر روی سکه نیمرخ خسرو پرویز در حالی که به سوی راست نگاه می‌کند، نقش شده است. این تصویر درون یک دایره و یک نیم‌دایره محصور است و در پشت سکه دو روحانی

گورستان تاسکا: این گورستان در دو کیلومتری جنوب شرقی روستای دُهو و دو سوی راه پیوندی نهبندان به میغان در دامنه خاوری شاه‌کوه و در شیب ملایم دشت، رو به شرق قرار گرفته است. نام دیگر گورستان، گبری است که توسط اهالی روستای دهو به آن داده شده، چرا که بر این باورند، این گورستان در پیوند با زردشتیانی است که پیش از این، در این مکان زندگی می‌کردند. گورستان در دو سوی راه قرار گرفته و گورها در جای جای دشت پراکنده هستند. گورها از نوع پشته سنگی و جهات گورها با یکدیگر فرق دارند. گورها به این صورت ایجاد شده‌اند که در آغاز چاله‌ای چهارگوش در زمین و تا رویه سنگ بستر ایجاد کرده‌اند و سپس، اقدام به سنگ‌چین کردن گور در داخل و سپس سنگ‌چین کردن گور در بیرون از خاک نموده‌اند. اندازه سنگ‌هایی که در بیرون گورها مورد استفاده قرار گرفته‌اند، به نسبت سنگ‌های داخل گورها، بسیار بزرگ‌تر و درشت‌تر هستند. چاله گورها، مستطیل شکل است که احتمالاً دارای پوشش خرپشته‌ای یا تخت بوده که با تخته‌سنگ‌های بزرگ پوشش می‌شده است. هیچ داده سفالی از سطح گورستان به دست نیامد و بنا به گفته اهالی (گفتگو با پرویزی از

با تاج بال‌دار رو به راست نقش بسته است. در سمت راست به خط پهلوی نوشته شده: 'pdwl' 'myl / wylwyšnk'n (عبدالله امیرالمؤمنین). در سمت چپ نیز به خط پهلوی نوشته شده: GDE 'pzwt (فراهش افزون). در حاشیه سمت راست به خط عربی نوشته شده: بسم الله. در پشت سکه نقش آتشدان ساسانی در میان دو نگهبان ایستاده با شمشیر وجود دارد. در سمت راست به خط پهلوی نوشته شده: klm'n (کرمان) و در سمت چپ نیز به خط پهلوی نوشته شده: pncšst (شصت و پنج).

به صورت همانند که در میانشان آتشدانی قرار دارد، به عنوان نگهبانان آتش هستند. این نقش درون سه دایره قرار گرفته و در چهار جهت دایره بیرونی نقش ماه و ستاره دیده می‌شود که این نقش بر روی سکه نیز به کار رفته است. از آنجایی که در آغاز اسلام، مسلمانان سکه‌ای نداشتند، سکه‌های دوره ساسانی به‌ویژه سکه‌های خسرو پرویز و یزدگرد سوم را با اندکی تغییرات و نوشتن خطوط کوفی مورد استفاده قرار داده‌اند (قلی پور، ۱۳۹۳: ۵۳).

این سکه مربوط به دوره حکومت عبدالله بن زبیر و ضرب کرمان است. روی سکه چهره نیم‌تنه شاه ساسانی



شکل ۱۱: محوطه باستان‌شناختی گورستان تاسکا، گورهای شناسایی شده در پهنه گورستان (نگارندگان)



شکل ۱۲: سکه به دست آمده از گورستان تاسکا متعلق به عبدالله بن زبیر (نگارندگان).

چند هاون سنگی بزرگ بازالتی که به صورت درجا مورد استفاده بوده در چند جای محوطه به چشم می‌خورد (شکل ۱۴). در جنوبی‌ترین بخش محوطه، تپه قلعه یا دژ حفاظتی محوطه قرار دارد که بقایای معماری موجود بر روی محوطه به شکل قطعات پراکنده است که به وفور در پیرامون محوطه یافت می‌گردد. بر بالای تپه جنوبی محوطه، بقایای دو چاله حفاری غیر مجاز نیز دیده می‌شود. میزان پراکنش داده‌های فرهنگی بر روی محوطه، تا حدودی در تپه جنوبی آن متمرکز است و در دامنه از میزان یافته‌ها کاسته می‌شود. اکثر سفال‌های موجود بر روی محوطه متعلق به دوران تاریخی (به‌ویژه اشکانی) است که از جمله سفال‌های شاخص می‌توان به این موارد اشاره کرد: سفال منقوش، سفال گونه زورقی، داغدار، شیاردار، یک گونه سفال رایج دوران تاریخی که در بیشتر محوطه‌های دوران تاریخی مانند دهانه غلامان و نادعلی در دشت سیستان متعلق به دوره هخامنشی و مختار تپه تربت جام در میانه خراسان متعلق به دوره اشکانی مشاهده می‌شود، و سفالی با لبه پهن و باریک که در بخش زیرین لبه دارای یک نوار برجسته باریک است. این فرم سفال از دوره هخامنشی تا ساسانی در این پهنه رواج داشته است (شکل ۱۵، جدول ۳).

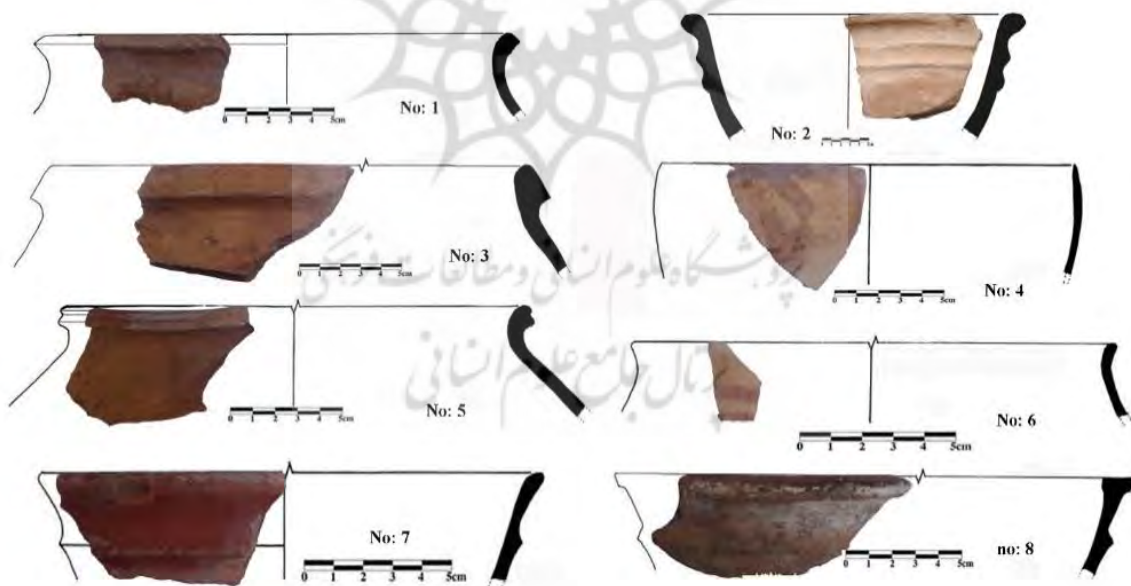
محوطه کلاته بل بتو: محوطه دیگری که در دامنه خاوری شاه‌کوه و در پیوند با محوطه آتشکده است، کلاته بل بتو است که بر طبق گفته اهالی، به دلیل وجود تعداد زیادی پرنده بلبل در این محل، این‌گونه نام‌گذاری شده است. محوطه در سه کیلومتری غربی روستای کلاته‌سرخ و در یکی از دره‌های دامنه شمالی و راه دسترسی به قله شاه‌کوه واقع است (شکل ۱۳). با توجه به گونه‌شناسی به عمل آمده در مورد سفال‌های سطحی محوطه، به نظر می‌رسد، استقرار و وابسته به دوران تاریخی (از هخامنشی تا ساسانی) در این مکان وجود داشته که البته وجود سفالینه‌های مربوط به سده‌های متأخر دوران اسلامی در این پهنه را نمی‌توان نادیده انگاشت. لازم به ذکر است، در بخش‌های شمالی کلاته بل بتو، پراکنش نسبتاً خوبی از سفالینه‌های سده‌های میانی تا پایانی اسلامی را می‌توان در این پهنه مشاهده کرد که به دلیل افزایش فعالیت‌های کشاورزی و گسترش زمین‌ها در کرانه غربی رودخانه بل‌بتو، لایه‌های رویی محوطه تخریب و در برخی قسمت‌ها تنها بقایای اندکی از این دوره برجای مانده است. با این وجود، در جای جای محوطه یادگارها و بقایای دیوارهای به جامانده از سازه‌های معماری مربوط به دوران تاریخی را در سطح می‌توان مشاهده کرد. بقایای



شکل ۱۳: محوطه باستان‌شناختی کلاته بل بتو، دید از جنوب (نگارندگان).



شکل ۱۴: هاون‌های سنگی محوطه باستان‌شناختی کلاته بل بتو (نگارندگان).



شکل ۱۵: طرح و تصویر سفالینه‌های به دست آمده از بررسی محوطه کلاته بل بتو (حیدری، ۱۳۹۴؛ فرجامی، ۱۴۰۰).

جدول ۳: نمونه سفال‌های منتسب به دوران تاریخی به دست آمده از بررسی محوطه کلاته بل بتو (نگارندگان).

ردیف	توصیف	دوره	ارجاع
۱	بافت معمولی، خمیره قرمز، پوشش گلی قرمز در بیرون و درون، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز.	اشکانی	نامی، ۱۴۰۱، ۲۳، لوح ۵، ش. ۶.
۲	بافت معمولی، خمیره قرمز، پوشش گلی نخودی، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز.	هخامنشی	Dales 1977: Pl. 21, no. 4.
۳	بافت معمولی، خمیره قرمز، پوشش گلی قرمز در بیرون و درون، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز.	اشکانی	نامی، ۱۴۰۱، ۲۳، لوح ۵، ش. ۳.
۴	بافت معمولی، خمیره قرمز، پوشش گلی قرمز، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز، تزئین با گل اخرا در بیرون و درون.	-	-
۵	بافت معمولی، خمیره قرمز، پوشش گلی قرمز در بیرون و درون، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز.		Priestman, 2009: 174, fig. 1. روستائی، ۱۳۹۱: ۱۱۲، لوحه ۴۰، ش. ۲۷۹.
۶	بافت معمولی، خمیره نخودی، پوشش گلی نخودی، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز، تزئین گل اخرا در بیرون.	هخامنشی	Dales 1977: Pl. 13, no. 11.
۷	بافت معمولی، خمیره قرمز، پوشش گلی قرمز در بیرون و درون، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز.	هخامنشی	Helms 1997: 332, fig. 121, no. 1566. نامی، ۱۴۰۱: ۲۱، لوح ۳، ش. ۵.
۸	بافت معمولی، خمیره قرمز، پوشش گلی قرمز در بیرون و درون، آمیزه کانی، پخت کافی، چرخ‌ساز.	هخامنشی	Dales 1977: Pl. 20, no. 2-4, زهبری، ۱۳۹۱: ۱۱۹، لوح ۹، ش. ۸۳.

نتیجه‌گیری

که شاخص‌ترین آنها، محوطه‌های آتشکده، کلاته بل بتو و گورستان تاسکا هستند. گمان می‌رود که محوطه آتشکده مهم‌ترین و اصلی‌ترین محوطه این پهنه بوده است. با توجه به بقایای معماری یافت شده در این محوطه که مربوط به یک آتشکده (؟) از دوره ساسانی است و نیز یافته‌های سفالی قابل توجه، می‌توان پیشنهاد کرد که احتمالاً این محوطه آیینی یک مکان کلیدی و برجسته در منطقه شاه‌کوه در دوران تاریخی (اشکانی و ساسانی) و سده‌های نخستین اسلامی بوده و در کنار محوطه‌های تاریخی بل بتو و تاسکا، بی‌گمان پیوند بسیار نزدیکی با محوطه‌های پیرامونی در دشت نه‌بندان) و دره چهارفرسخ داشته است. لازم به ذکر است، این محوطه، علاوه بر داده‌های دوران تاریخی، شامل یک بنای متعلق

بلندی‌های شاه‌کوه نهبندان علی‌رغم قرارگیری در کرانه شمالی یک زیست‌بوم کویری با نام بیابان لوت، به دلیل وجود منابع آبی (چشمه)، چراگاه‌های مناسب جهت دامداری و نیز امکان کشاورزی، یکی از نواحی استقرار مناسب بوده است. شهرستان نهبندان به علت نزدیکی به سیستان و همچنین قرار گرفتن در گذرگاه اصلی از سیستان و فراه به سوی بیابان لوت و کرمان و قرار گرفتن در راه فرعی دسترسی به خراسان یکی از مناطق مهم باستان‌شناسی در منطقه جنوب خراسان به شمار می‌رود. دامنه شرقی شاه‌کوه با توجه به وضعیت اقلیمی و توانمندی‌های معدنی که در منطقه وجود داشته، استقرارهای مهمی را از دوران تاریخی در خود جای داده

به سده‌های متأخر دوران اسلامی (سده‌های هشتم تا دوازدهم هجری قمری) نیز هست که در اثر فعالیت‌های انسانی همچون تهاجمات و ساخت و سازها تخریب شده و تنها بقایایی از دو فضای معماری آن در بالاترین بخش تپه روستای آتشکده قابل مشاهده است.

سپاسگزاری

برخود بایسته می‌دانیم که از کوشش‌ها و راهنمایی‌های ارزشمند آقایان شبانی، جنتی‌فر، عربشاهی، یوسفی، نظامی، کدخدا، حسین و محمدحسین عباسی، رضائی و دهیاران وقت و سکنه روستاهای آتشکده بالا و دهو قدردانی نمائیم.

منابع

ابن حوقل، ابی‌القاسم (۱۳۶۶). *سفرنامه ابن حوقل - ایران‌سوره‌الارض*. ترجمه جعفر شعار. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

اسماعیلی، نیره (۱۴۰۰). *بررسی گونه‌شناختی سفال‌های مکشوفه از تپه سورگ بیرجند*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، باستان‌شناسی، دانشکده هنر، دانشگاه بیرجند.

اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۴۰). *المسالک و الممالک*. به کوشش ایرج افشار. چاپ نخست. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

بهروزی‌فر، داود، مهرآفرین، رضا، سعیدی هرسینی، محمدرضا، چایچی امیرخیز، احمد (۱۴۰۰). *بررسی و تحلیل سفال‌های اشکانی دشت سرخس*. شمال شرق ایران. *مطالعات باستان‌شناسی پارسه*، ۵(۱۷)، ۱۶۶-۱۴۳.

تاج‌بخش، رویا، وندائی، میلاد (۱۳۹۶). *بررسی و تحلیل باستان‌شناختی مجموعه چهارطاقی گنبد فراشبند*. *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ۷(۱۲)، ۲۱۱-۲۲۶.

حاجی‌پور، میثم و همکاران (۱۳۹۳). *توانمندی‌ها*. پتانسیل‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری خراسان جنوبی. چاپ اول. بیرجند: چهاردرخت.

حاجی‌علی‌عسگر، ندا، مومنی، کوروش (۱۳۹۶). *تجلی عدد چهار در طرح معماری آتشکده‌های ایران*. معماری و شهرسازی آرمان، ۱۰(۲۱)، ۲۳-۳۸.

حیدری، احمد (۱۳۹۴). *گزارش مقدماتی فصل نخست بررسی و شناسایی آثار و مکان‌های فرهنگی دهستان میغان شهرستان نهبندان*. بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان خراسان جنوبی.

دانا، محسن (۱۳۹۵). *گزارش مقدماتی فصل دوم کاوش تپه تخچرآباد بیرجند*. بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی.

دانا، محسن (۱۳۹۶). *گزارش مقدماتی فصل سوم کاوش تپه تخچرآباد بیرجند*. بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی.

دانا، محسن (۱۳۹۷). *گزارش فصل چهارم کاوش باستان‌شناختی محوطه تخچرآباد*. بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی.

دانا، محسن، هژبری، علی، رحمتی، مسعود (۱۳۹۷). *کهنه‌کند بجنورد محوطه‌ای اشکانی با ویژگی‌های بومی در شمال خراسان*. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان، جلد دوم، به کوشش محمدحسین عزیزی خرائقی. مرتضی‌خانی پور و رضا ناصری. دانشگاه تهران و بنیاد ایران‌شناسی، ۸۳۴-۷۹۵.

روستایی، محمدصادق (۱۳۹۱). *مطالعه نمونه‌های سفالین دوره اشکانی در سیستان ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی.

فرجامی، محمد، محمودی نسب، علی اصغر (۱۳۹۸). گزارش فصل نخست کاوش محوطه گبری مود. بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی.

فرجامی، محمد، محمودی نسب، علی اصغر (۱۳۹۳). گزارش بررسی باستان‌شناختی بخش‌های زهان و شاسکوه شهرستان زیرکوه. بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی.

قلی‌نژاد، مستنصر (۱۳۹۴). گزارش بررسی باستان‌شناختی دهستان زیرکوه. بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی و صنایع دستی استان خراسان جنوبی.

گابریل، آلفونس (۱۳۷۱). عبور از صحاری ایران. ترجمه فرامرز نجد سمیعی. چاپ اول. مشهد: آستان قدس رضوی.

لباف خانیکی، میثم (۱۳۸۸). سفال‌های ساسانی شمال شرق ایران طبقه‌بندی مقایسه و تحلیل بر اساس ویژگی‌های شکلی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۴ (۵۹)، ۱۴۳-۱۷۵.

لباف خانیکی، رجبعلی (۱۳۸۶). گزارش گمانه زنی به منظور تعیین عرصه و حریم شهر قدیم قاین. بیرجند: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی. صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی.

لباف خانیکی، میثم، فرجامی، محمد، حیدری، احمد (۱۴۰۰). سبک‌های بومی و منطقه‌ای در سفال‌های اشکانی-ساسانی شرق ایران با تکیه بر نویافته‌های سفالین دشت نه و دره چهارفرسخ (شهرستان نهبندان).

زهره (۱۳۹۱). مطالعه نمونه‌های سفالین مکشوفه از محوطه‌ی هخامنشی دهانه غلامان. پایان نامه کارشناسی ارشد، باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

سرفراز، علی اکبر، آوارزمانی، فریدون (۱۳۸۴). سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه. چاپ چهارم. تهران: انتشارات سمت.

شایسته، محسن (۱۳۸۸). پرونده ثبتی تپه آتشکده. بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی.

صدیقیان، حسین (۱۳۹۳). گزارش بررسی باستان‌شناختی بخش جلگه مائزان شهرستان خوسف. بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی.

صدیقیان، حسین (۱۳۹۴). گزارش بررسی باستان‌شناختی بخش قهستان و گزیک شهرستان درمیان. بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی.

فرجامی، محمد (۱۳۸۳). پرونده ثبتی قلعه دختر بیدسک شهرستان درمیان. بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی.

فرجامی، محمد (۱۳۹۲). بررسی باستان‌شناختی شهرستان سربیشه. بیرجند: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی.

فرجامی، محمد (۱۳۹۶). بررسی باستان‌شناختی شهرستان سربیشه. چاپ اول. بیرجند: انتشارات چهاردرخت.

فرجامی، محمد، محمودی نسب، علی اصغر (۱۳۹۷). گزارش گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه آتشکده شهرستان نهبندان. بیرجند: بایگانی اداره

هرینک، ارنی (۱۳۷۶). *سفال ایران در دوره اشکانی*. ترجمه حمیده چوبک. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

Alden, J. (1978). *Excavations at Tal-i Malyan, Iran, XVI*, 79-93.

Dales, G. (1977). *New Excavations at Nad-I Ali (Sorkh Dagh), Afghanistan: Research Monograph No. 16*.

Dupree, L. (1956). *Shamshir Ghar, a historic cave site in Kandahar province, Afghanistan. Orientalistische Literaturzeitung, 51(1-6)*, 147-148.

Helms, S. (1997). *Excavations at Old Kandahar in Afghanistan 1976-1978, Conducted on behalf of the Society for South Asian Studies, (Society for Afghan Studies), Stratigraphy, pottery and other finds*, BAR Publishing.

Priestman, S. (2009). A statistical vs. a Sensory Approach: *Sasanian Ceramic Studies in the Light of Ceramics of the Merv Oasis, Journal of inner asian art and archaeology, 4*, 169 - 174.

Puschnigg, G. (2006). *Ceramics Of The Merv Oasis; Recycling The City, Walnut creek, California*, left coast press inc.

استان خراسان جنوبی. *مطالعات باستان‌شناسی*، ۱۳ (۳)، ۳۲-۱.

محمدی‌فر، یعقوب، طهماسبی، الناز (۱۳۹۳). طبقه‌بندی سفال ساسانی دره سیمره. مطالعه موردی: قلعه سیرم‌شاه. *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ۷ (۴)، ۱۳۳-۱۵۲.

مستوفی، احمد (۱۳۵۱). راه‌های لوت جنوبی. گزارش‌های جغرافیایی، ۰۸، ۳۱۵-۳۲۰.

مقدسی، محمدبن احمد (۱۳۶۱). *أحسن التقاسیم*. جلد ۲. ترجمه علی‌نقی منزوی. چاپ نخست. تهران: شرکت مولفان و مترجمان.

موسوی‌حاجی، سیدرسول، عطائی، مرتضی (۱۳۸۹). مطالعه مجموعه‌ای از نمونه‌های سفالین سیستان. زاهدان: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی سیستان و بلوچستان.

مهرآفرین، رضا، موسوی‌حاجی، سیدرسول، روستائی، محمدصادق، علائی‌مقدم، جواد (۱۳۹۲). مطالعه سفال شیاردار اشکانی سیستان. همایش ملی باستان‌شناسی ایران، دانشکده هنر، دانشگاه بیرجند.

نامی، حسن (۱۴۰۱). گاهنگاری نسبی. تحلیل محیطی و باستان‌شناختی محوطه مخارتپه (تربت‌جام. شمال شرق ایران). *مطالعات باستان‌شناسی پارسه*، ۶ (۲۱)، ۷-۴۰.